آخرین وصی حضرت ابراهیم علیه‌السلام ـ علی‌اکبر مهدی‌پور
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال دوازدهم، شماره ۴۸ «ویژه حضرت ابوطالب علیه‌السلام»، پاییز ۱۳۹۴، ص ۴۶ـ۶۴

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.48.11.7]

آخرین وصی حضرت ابراهیم علیه‌السلام

علی‌اکبر مهدی‌پور *

چکیده: نگارنده در چند موضوع سخن می‌گوید: جایگاه درخشندهٔ حضرت ابوطالب در تاریخ اسلام، که وصیّ پیامبران بود، و خبرهای غیبی او. آنگاه کلمات خدای تعالی و پیامبر خدا و امیر المؤمنین در مورد ابوطالب را بیان می‌دارد. و بهترین اثار مکتوب در مورد ایشان را معرفی می‌کند. پس از آن، درباره علت‌های مخالفت با حضرت ابوطالب سخن می‌گوید و خاطراتی در این مورد می‌آورد. نقد کلمات محی الدین ابن عربی و پیشنهادهایی برای پژوهش‌های بعدی، پایان بخش این نوشتار است.

کلیدواژه‌ها: ابوطالب – احادیث در فضائل؛ ابن عربی، محی الدین – نقد کلمات در مورد ابوطالب؛ ابوطالب – آثار مکتوب و پیشنهادها.

---

*. محقق و مدرس حوزه علمیه قم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.48.11.7]

جایگاه حضرت ابوطالب علیه‌السلام در تاریخ

حضرت ابوطالب علیه‌السلام پیش از بعثت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله «شیخ الأباطح» رئیس بلامنازع قریش و وارث نیاکان پر آوازه و خوشنام خود بود. پس از بعثت رسول اکرم نیز تنها حامی و مدافع آن حضرت و «ابو الأئمّه» پدر دوازده امام معصوم و جانشینان بر حقّ آن حضرت بود.

ولی بالاترین منصب جناب ابوطالب، مقام وصایت آن حضرت می‌باشد، که آخرین وصی حضرت ابراهیم علیه‌السلام بود.

پیامبران و جانشینان آنها، در برترین قلّهٔ رفیع جهان خلقت قرار دارند که در جهان آفرینش، هیچ مقامی بالاتر از مقام حجج الهی وجود ندارد.

حضرت ابوطالب علیه‌السلام آخرین حجّت از حجج الهی پیش از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بود.

در دوران فترت (میان حضرت عیسی و پیامبر اکرم) پیامبر صاحب شریعت وجود نداشت، لکن همواره اوصیای حضرت عیسی علیه‌السلام در میان بنی اسرائیل و اوصیای حضرت ابراهیم علیه‌السلام در سرزمین حجاز حضور داشتند.

در میان ۱۲۴ هزار پیامبری که خداوند منّان، از زمان حضرت آدم ابوالبشر تا عصر رسالت نبی خاتم فرستاده، تنها پیامبر ما جهانی بود، که منطق وحی از آن پرده برداشته، می‌فرماید: «وَ ما ارسَلناکَ إلّا کافَّةً لِلنّاسِ»[1]؛ «ما ترا جز برای همهٔ مردمان نفرستادیم.»

ولی دیگر پیامبران برای زمان خاص، مکان خاص و یا نژاد خاص مبعوث بودند. در اینجا فقط دو استثنا داریم:

---

۱. سوره‌ی سبا (۳۴)، آیه‌ی ۲۸.

۱) حضرت آدم علیه‌السلام که در زمان او دنیا منحصر به فرزندان آن حضرت بود و لذا نبوّت ایشان رنگ جهانی داشت.

۲) حضرت نوح علیه‌السلام که بعد از طوفان، جهان منحصر به فرزندان او شد و فقط ذریّت باقی ماندند.[۱] او نیز به همهٔ آن‌ها مبعوث بود.[۲] و لذا رنگ جهانی داشت.

البته حضرت موسی و عیسی علیهما‌السلام به سوی بنی‌اسرائیل مبعوث بودند. قرآن در مورد تورات می‌فرماید: «وَ جَعَلْناهُ هُدیً لِبَنی إِسرائیلَ»[۳]؛ «آن را هدایت قرار دادیم برای بنی‌اسرائیل.»

و در مورد حضرت عیسی علیه‌السلام می‌فرماید: «وَ رَسُولاً إِلی بَنی إِسرائیلَ»[۴]؛ «فرستاده شده به سوی بنی اسرائیل.»

و از زبان ایشان نقل می‌کند که گفت: «إِنّی رَسولُ اللّه إِلَیکُم»[۵]؛ «من فرستادهٔ خدا هستم به سوی شما.»

پیامبری که در سرزمین حجاز رسالت داشت، حضرت ابراهیم علیه‌السلام می‌باشد، که قرآن کریم از هجرت آن حضرت به سوی حجاز و اقامتش در آن سرزمین خبر داده است.[۶] پس از ارتحال حضرت ابراهیم علیه‌السلام اوصیای آن حضرت در حجاز تا زمان بعثت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حضور داشتند.

بی‌گمان هرگز روی زمین خالی از حجّت نبوده و نخواهد بود، چنانکه شیخ

۱. سوره‌ی صافّات (۳۷)، آیه‌ی ۷۷.
۲. شیخ صدوق، کمال الدّین، ج ۱، ص ۲۲۰.
۳. سوره‌ی اسراء (۱۷)، آیه‌ی ۲.
٤. سوره‌ی آل عمران (۳)، آیه‌ی ۴۹.
۵. سوره‌ی صف (۶۱)، آیه‌ی ۶.
٦. سوره‌ی صافّات (۳۷)، آیه‌ی ۹۹.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.48.11.7]

صدوق ۶۵ حدیث در این رابطه نقل فرموده است.[۱]

پیش از ولادت رسول اکرمﷺ حضرت عبدالمطّلب حجّت خدا بود. امام رضاعليه‌السلام در تفسیر فرمایش رسول اکرمﷺ که فرمود: «أَنَاَ إِبْنُ الذَّ بیحَینِ»، بر حجّت بودن حضرت عبدالمطّلب تأکید فرموده است.[۲]

آنگاه شیخ صدوق می‌فرماید:

«وَ رُوِیَ أَنَّ عَبْدَالمُطَّلِبِ کانَ حُجَّةً وَ أَباطالِبٍ کانَ وَصِیَّهُ»[۳]؛ «روایت شده که حضرت عبدالمطّلب حجّت بود و حضرت ابوطالب وصیّ او بود.»

از امام کاظمعليه‌السلام پرسیدند: آیا حضرت ابوطالب بر پیامبر اکرم نیز حجّت بود؟ فرمود: نه. لکن وصیّت‌ها (ودایع نبوّت) در دست او بود که به آن حضرت تقدیم کرد.[۴]

علامهٔ امینی از کتاب «ضیاء العالمین» نقل کرده که از امیر مؤمنانعليه‌السلام پرسیدند: آخرین وصیّ پیش از پیامبر اکرمﷺ چه کسی بود؟ فرمود: «پدرم.»[۵]

توضیح اینکه کتاب «ضیاء العالمین» کتابی ارزشمند در باب امامت، تألیف: ابوالحسن شریف فتونی، متوفای ۱۱۳۸ ق. می‌باشد[۶] که به گفتهٔ علامه امینی، در موضوع امامت، کتابی زیباتر و پربهاتر از آن تألیف نشده است.[۷]

---

۱. شیخ صدوق، کمال الدّین، ج ۱، ص ۲۲۰-۲۴۱.

۲. شیخ صدوق، عیون أخبار الرضاعليه‌السلام، ج ۱، ص ۱۶۸؛ همو، الخصال، ج ۱، ص ۵۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۱۲۹.

۳. شیخ صدوق، الاعتقادات، ص ۳۵۷.

٤. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۴۵.

۵. علامه‌ی امینی، الغدیر، ج ۷، ص ۵۲۴.

٦. ابوالحسن بن محمد طاهر فتونی نباطی عاملی شریف، خواهر زاده‌ی ملا صالح خاتون آبادی، شاگرد علامه‌ی مجلسی و از اجداد صاحب جواهر است.

۷. امینی، الغدیر، ج ۷، ص ۵۳۶، و ۵۳۹. نسخ خطّی آن در کتابخانه‌های عمومی چون: امیرالمؤمنین، تستری‌ها، کاشف الغطاء و سید حسن صدر در نجف اشرف، کتابخانه‌ی جعفریّه در کربلا و میرزای شیرازی در سامرا موجود می‌باشد. (شیخ آقا بزرگ،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.48.11.7]

اما آخرین وصی حضرت عیسی علیه‌السلام در میان بنی‌اسرائیل شخصی بود به نام «آبی» که «بالط» نیز نامیده می‌شد.[1]

او نیز پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را درک کرد، به آن حضرت ایمان آورد و آن چه از ودایع نبوّت در نزد او بود به پیامبر اکرم تقدیم نمود.[2]

یکی از دلایل حجّت خدا بودن حضرت ابوطالب علیه‌السلام بشارات غیبی ایشان است که مرحوم کلینی در اصول کافی با سلسله اسنادش از ایشان نقل کرده است:

یکم. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

هنگامی که حضرت فاطمه بنت اسد بشارت میلاد مسعود پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را به محضر حضرت ابوطالب علیه‌السلام تقدیم کرد، حضرت ابوطالب فرمود: «إِصبِری سَبتاً أَبَشِّرُکِ بِمِثلِهِ إِلَّا النُّبُوَّةَ»؛[3] «سی سال صبر کن، ترا به همانند او بشارت دهم به جز نبوّت.»

در این جمله کوتاه چند خبر غیبی هست:

۱) حضرت ابوطالب می‌دانست که فرزندش علی علیه‌السلام دقیقاً سی سال بعد متولّد خواهد شد.

۲) او می‌دانست که امیر مؤمنان علیه‌السلام در تمام فضایل بجز نبوت، همانند پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله خواهد بود.

۳) او می‌دانست که مولود مسعودی که حضرت فاطمه بنت اسد بشارت او را

الذریعه، ج ۱۵، ص ۱۲۴) این کتاب به تحقیق مؤسسهٔ آل البیت علیهم‌السلام در قم تحقیق شده و تا کنون هفت مجلد از دورهٔ ده جلدی آن چاپ شده است.

۱. شیخ صدوق، کمال الدّین، ج ۲، ص ۶۶۴.

۲. همان، ص ۶۶۵.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۵۲.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.48.11.7]

آورده، پیامبر خواهد بود.

۴) او می‌دانست که حضرت علی علیه‌السلام پیامبر نخواهد بود، ولی هم سنگ پیامبر است.

دوم. امام صادق علیه‌السلام فرمود:

روز تولّد پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، سرزمین فارس و کاخ‌های شام برای حضرت آمنه خاتون آشکار شد. حضرت فاطمه بنت اسد آن را به محضر حضرت ابوطالب علیه‌السلام نقل کرد، حضرت ابوطالب فرمود: آیا از این مطلب تعجّب می‌کنی؟! تو نیز وصی و وزیر او را به دنیا خواهی آورد.[۱]

نتیجه:

از این بحث فشرده به این نتیجه رسیدیم که:

۱. حضرت ابوطالب، حجّت خدا و آخرین وصی حضرت ابراهیم علیه‌السلام بود.

۲. در میان پیامبران، تنها پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نبوّت عامّه داشت و رسالتش جهانی بود.

۳. حضرت عیسی علیه‌السلام فقط به سوی بنی اسرائیل مبعوث شده بود.

۴. اوصیای حضرت عیسی علیه‌السلام در دوران فترت حجّت خدا بودند برای قوم بنی اسرائیل و آخرین وصیّ او «آبی» و «بالط» نام داشت، که عهد رسالت را درک کرده به پیامبر اسلام ایمان آورده است.

۵. پیش از بعثت پیامبر، حضرت ابوطالب و پیش از ایشان حضرت عبدالمطّلب، حجّت خدا و اوصیای حضرت ابراهیم در سرزمین حجاز بودند.

---

۱. همان، ص ۴۵۴.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.48.11.7]

علامهٔ مجلسی می‌نویسد:

شیعیان در مورد حضرت ابوطالب علیه‌السلام اجماع کرده‌اند که وی در آغاز بعثت پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، به آن حضرت ایمان آورد، و هرگز بت نپرستید، بلکه از اوصیای حضرت ابراهیم علیه‌السلام بود.[1]

جایگاه حضرت ابوطالب از منظر پیشوایان

سیمای حضرت ابوطالب در کلام قدسی

یکم. پیک وحی بر حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرود آمد و گفت: ای محمد! پروردگارت به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: إِنّی قَدْ حَرَّمْتُ النّارَ عَلی صُلبٍ أَنْزَلَکَ وَ بَطْنٍ حَمَلَکَ وَ حِجْرٍ کَفَلَکَ؛ من دوزخ را حرام کردم بر صلبی که تو را فرود آورد و بطنی که تو را حمل کرد و آغوشی که تو را کفالت نمود.[2]

پیامبر اکرم از حضرت جبرئیل توضیح خواست، جبرئیل عرضه داشت:

۱) منظور از صلبی که تو را فرود آورد، صلب پدرت عبدالله بن عبدالمطلب است.

۲) منظور از بطنی که تو را حمل کرد، آمنه بنت وهب است.

۳) منظور از آغوشی که تو را کفالت نمود، آغوش ابوطالب است.[3]

دوم. جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده که فرمود:

در شب معراج به عرش خدا رسیدم، چهار نور مشاهده کردم، پرسیدم: خداوندا! این‌ها چه نورهایی هستند؟

۱. مجلسی، مرآت العقول، ج ۵، ص ۲۳۵.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۴۶.

۳. شیخ صدوق، معانی الأخبار، ص ۱۳۷.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.48.11.7]

خطاب شد: این‌ها عبدالمطلب، ابوطالب، پدرت عبدالله و برادرت عقیل می‌باشند. عرضه داشتم: خدایا! این‌ها با چه عملی به این مقام رسیده‌اند؟

خطاب شد: بِکِتْمانِهِمُ الإیمانَ، وَ إظهارِهِمُ الکُفْرَ، وَ صَبْرِهِمْ عَلی ذلِکَ حَتّی ماتُوا عَلَیْهِ، سَلامُ اللهِ عَلَیْهِمْ أَجْمَعینَ؛ با کتمان ایمان، اظهار کفر و شکیبایی بر آن تا هنگامی که بر آن شیوه در گذشتند. درود خدا بر همه شان باد.[1]

سوم. پیک وحی بر قلب شریف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرود آمد و عرضه داشت:

یا محمد! پروردگارت سلام می‌رساند و می‌فرماید: اصحاب کهف ایمان خود را کتمان کردند و اظهار شرک نمودند، خداوند به آن‌ها دو بار پاداش داد. ابوطالب نیز ایمانش را مکتوم داشت و اظهار شرک نمود، خداوند به او نیز دو بار پاداش داد.[2]

چهارم. خداوند منان به خاتم پیامبران وحی فرمود:

من تو را با دو گروه یاری می‌کنم: یکی مخفیانه و دیگری آشکار. سرور و سالار آنان که تو را مخفیانه یاری می‌کنند، عمویت ابوطالب است. سرور و سالار آنهایی که آشکارا تو را یاری می‌کنند، پسرش علی بن ابی‌طالب است.[3]

پنجم. پس از ارتحال غمبار حضرت ابوطالب علیه السلام پیک وحی نازل شد و عرضه داشت: یا مُحَمَّدُ! أُخْرُجْ مِنْ مَکَّةَ، فَلَیْسَ لَکَ فیها ناصِرٌ؛ ای محمد! از مکّه خارج شو، که دیگر در این شهر یاوری نداری.[4]

شیخ مفید در این مورد می‌نویسد:

---

۱. ابن فتّال، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۹۹.
۲. ابن معد، الحجّة علی الذّاهبَ، ص ۱۰۶.
۳. علامه‌ی امینی، الغدیر، ج ۷، ص ۵۳۲.
۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۴۹.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.48.11.7]

به طور مستفیض روایت شده که به هنگام ارتحال ابوطالب جبرئیل امین بر پیامبر اکرمﷺ نازل شد و عرضه داشت: یا مُحَمَّدُ! إِنَّ رَبَّکَ یُقْرِءُکَ السّلامَ وَ یَقُولُ لَکَ: أُخْرُجْ مِنْ مَکَّةَ فَقَد ماتَ ناصِرُکَ؛ ای محمد! پروردگارت سلام می‌رساند و می‌فرماید: از مکّه بیرون رو، که یاورت از دنیا رفت.[1]

سیمای ابوطالب در سخنان پیامبر اکرم

یکم. پیامبر اکرمﷺ سیمای حضرت ابوطالبؑ را این گونه ترسیم فرمودند: یُحْشَرُ أَبُوطالِبٍ یَوْمَ الْقِیامَةِ فی زِیِّ الْمُلُوکِ وَ سیماءِ الْأنبیاءِ؛ حضرت ابوطالب در روز قیامت در زیّ پادشاهان و در سیمای پیامبران محشور می‌شود.[2]

دوم. پیامبر اکرم فرمود: خداوند دربارهٔ چهار نفر به من وعدهٔ شفاعت داده است! پدرم، مادرم، عمویم و برادری که در عهد جاهلیّت داشتم.[3]

سوم. همچنین فرمود: اگر در مقام محمود قرار بگیرم، برای پدرم، مادرم، عمویم و برادری که در جاهلیت داشتم، شفاعت می‌کنم.[4]

چهارم. پیامبراکرم به هنگام خاکسپاری حضرت ابوطالب فرمود: أَما وَ اللّهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَکَ وَ لَأَشْفَعَنَّ فیکَ شَفاعَةً یَعْجَبُ لَکَ الثَّقَلانِ؛ به خدا سوگند برای تو طلب مغفرت می‌کنم و در حق تو آن گونه شفاعت می‌کنم که جن و انس از آن دچار شگفتی شوند.[5]

پنجم. عباس بن عبدالمطلب از رسول اکرمﷺ پرسید: برای ابوطالب چه امیدی

۱. سید رضی، الفصول المختارة، ص ۲۸۲.
۲. شیخ موسی زنجانی، مدینة البلاغة، ج ۲، ص ۵۷۴.
۳. یعقوبی، التّاریخ، ج ۲، ص ۲۹.
٤. علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۵.
۵. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۷، ص ۷۶.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.48.11.7]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.48.11.7]

داری؟ فرمود: كُلَّ الْخَيْرِ أَرْجُو مِنْ رَبّی؛ برای او امید هر خیری از پروردگار دارم.[۱]

ششم. ابن جوزی نقل کرده که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در مورد حضرت ابوطالب فرمود: غَفَرَاللهُ لَهُ وَ رَحِمَهُ؛ خداوند او را بیامرزد و رحمت کند.[۲]

و در مورد جای خالی او فرمود: ما أَسْرَعَ ما وَجَدْتُ فَقدکَ یا عَمِّ؛ عمو جان! چه زود جای خالی ترا احساس کردم.[۳]

و در همین زمینه فرمودند: ما نالَتْ قُرَيْشٌ شَيئاً أَكْرَهُهُ حتّی ماتَ أَبوطالِبٍ، ثُمَّ شَرَعُوا؛ تا زمانی که ابوطالب زنده بود، قریش نتوانست در حق من کاری انجام دهد که خوشایند من نباشد، پس از او شروع کردند.[۴]

هفتم. در مدینه خشکسالی شد، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نماز باران خواند، باران رحمت سیل آسا فرو ریخت. حضرت تبسّمی کرد و فرمود: لِلّهِ دَرُّ أَبی‌طالِبٍ، لَوْ كانَ حَيّاً لَقَرَّتْ عَيْنُهُ؛ خیر کثیر ابوطالب با خداست. اگر زنده بود دیدگانش روشن می‌شد.

آنگاه فرمود: چه کسی اشعار او را انشاد می‌کند؟ امیر مؤمنان علیه‌السلام برخاست و اشعار معروف: «وَ أَبْيَضُ يُسْتَقْیَ الْغَمامُ بِوَجْهِهِ» را انشاد کرد.

پیامبر اکرم آن را استماع کرد و برای ابوطالب طلب مغفرت نمود.

مردی از کنانه برخاست و چکامه‌ای در مدح حضرت ابوطالب انشاد کرد و مورد تأیید پیامبر اکرم قرار گرفت.[۵]

---

۱. ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۷۰، ص ۲۵۱.
۲. ابن جوزی، تذکرة الخواص، ج ۱، ص ۱۴۵.
۳. ابن عساکر، همان.
٤. ابن کثیر، البدایة و النهّایة، ج ۳، ص ۱۳۴.
۵. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۸۱.

سیمای حضرت ابوطالب در سخنان امیر بیانعلیه‌السلام

یکم. اصبغ بن نباته از مولای متّقیان امیر مؤمنان‌علیه‌السلام روایت می‌کند که فرمود: پدرم ابوطالب و نیاکانم عبدالمطّلب، هاشم و عبد مناف، هرگز بت نپرستیدند.

گفته شد: پس چه چیزی را می‌پرستیدند؟ فرمود: کانُوا یُصَلّوُنَ إِلَی الْبَیْتِ، عَلی دینِ إبراهیمَ‌علیه‌السلام مُتَمَسِّکینَ بِهِ؛ به سوی کعبه نماز می‌خواندند، بر دین حضرت ابراهیم‌علیه‌السلام بودند و به ان پای بند بودند.[1]

در این زمینه دامنهٔ سخن بسیار گسترده است، به همین حدیث بسنده کرده، نقش نگین آن حضرت را از امام رضاعلیه‌السلام نقل می‌کنیم:

امام رضاعلیه‌السلام می‌فرماید: بر نگین انگشتری حضرت ابوطالب‌علیه‌السلام چنین حکّ شده بود: رَضیتُ بِاللهِ رَبّاً، وَ بِابْنِ أَخی مُحَمَّدٍ نَبِیّاً، وَ بِابْنی عَلِیٍّ لَهُ وَصِیّاً؛ من خدای را به خداوندی، برادرزاده‌ام محمد را به پیامبری و پسرم علی را به جانشینی او پسندیدم.[2]

به جهت محدود بودن صفحات فصلنامه، از دیگر احادیث وارده از پیشوایان معصوم صرف نظر کرده، به تشرّفی در این زمینه اشاره می‌کنیم:

مرحوم آیة اللّهی مقیم بم، مشهور به «علّامهٔ بم» در حدود پنجاه سال پیش با جمعی از اهالی بم به حج مشرّف می‌شود. روزی بعد از نماز صبح یک عالم وهّابی به ستون ابولبابه تکیه کرده، فصلی در نکوهش حضرت ابوطالب سخن می‌گوید.

علامه به دوستان خود می‌گوید: امروز خوب استراحت کنید که شب با شما کار

۱. شیخ صدوق، کمال الدّین، ج ۱، ص ۱۷۴.
۲. سید علیخان کبیر، الدرّجات الرّفیعة، ص ۶۰.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.48.11.7]

دارم.

آن شب تا صبح بیدار می‌مانند و به حضرت بقّیة الله ارواحناه فداه متوسّل می‌شوند.

بعد از نماز صبح شخص بزرگواری به ستون ابولبابه تکیه می‌کند و یک ساعت تمام پیرامون ایمان حضرت ابوطالب سخن می‌گوید، به شماری از ابیات حضرت ابوطالب استشهاد می‌کند و در ضمن بر شمردن دلایل ایمان آن حضرت می‌فرماید:

مادرم فاطمه بنت اسد، از سابقات به اسلام بود و تا پایان عمر در حبالهٔ نکاح جدّم ابوطالب بود. پیامبر اکرمﷺ مأموریّت داشت که نگذارد هیچ زن با ایمانی در حبالهٔ نکاح شخص مشرک بماند. اگر حضرت ابوطالب مؤمن نبود، پیامبر اکرم وظیفه داشت که در میان آن‌ها جدایی بیندازد، در حالی که حضرت فاطمه بنت اسد تا پایان عمر شریفش در حبالهٔ نکاح آن حضرت بود.

داستان این تشرّف را یکی از دوستان از آن مرحوم ضبط کرده بود و من آن را از نوار ایشان استماع نمودم.

علامهٔ بم یقین داشت که آن شخص حضرت بقیة الله بوده است. زیرا:

۱. بعد از ایراد سخنرانی، در برابر دیدگانش ناپدید شده بود.

۲. در طول سخنرانی، حتّی یک نفر از حاضران از مسجد بیرون نرفته بود، در حالی که معمولاً اکثر نمازگزاران بعد از نماز صبح از مسجد بیرون می‌روند.

۳. مأمورین وهابی هیچ اعتراض و عکس العملی نشان نداده بودند.

۴. با عدم وجود بلندگو، صدایش به طور یکنواخت تا آخر مسجد النبّی شنیده می‌شد و لذا صف‌های عقب‌تر به جلو نیامده بودند.

۵. برخی از همراهان مرحوم علامهٔ بم که دیر رسیده بودند و در بیرون مسجد

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.48.11.7]

نشسته بودند، کاملاً صدای آن بزرگوار را شنیده بود.

۶. علامه که عربی می‌دانست، آن را به عربی شنیده بود، ولی همراهان او که عربی نمی دانستند، آن را به فارسی استماع کرده بودند.[۱]

فرازهایی از این تشرّف را آقای دکتر محمدحسن ضرّابی از شخص مرحوم علامه شنیده و نقل کرده است.[۲]

بهترین آثار

آثار ارزشمند فراوان پیرامون حضرت ابوطالب علیه‌السلام چاپ و منتشر شده که برخی از آنها، اهمیت ویژه‌ای دارند و آنها عبارتند از:

۱) إیمان أبی‌طالب (الحجّة علی الذّاهب إلی تکفیر أبی‌طالب)، از ابوعلی فخار بن معد.

۲) أبوطالب مؤمن قریش، از عبدالله خنیزی.

۳) أسنی المطالب فی نجاة أبی‌طالب، از زینی دحلان تحقیق صالح الوردانی، چاپ الهدف، قاهره.

۴) بغیة الطّالب فی ایمان ابی‌طالب، از سیدمحمد موسوی عاملی، تحقیق آیة الله سید محمدمهدی خرسان

۵) گفتار علامه امینی در جلد هفتم الغدیر

چرائیِ مخالفت با حضرت ابوطالب علیه‌السلام

محور مظلومیّت‌ها

در نخستین جمله از زیارتنامه امیر المؤمنین علیه‌السلام که از ناحیهٔ امام هادی علیه‌السلام رسیده،

۱. از ویژگی‌های بانگ آسمانی آن است که هر کسی آن را به زبان مادری خود می‌شنود. (شیخ صدوق، کمال الدّین، ج ۲، ص ۶۵۰)

۲. ضرّابی، دیدار با امام زمان در مکّه و مدینه، ص ۱۸۴-۱۸۷.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.48.11.7]

خطاب به مولای متقیان عرضه می‌داریم:

اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وَلِیَّ اللهِ، أَنْتَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ وَ أَوَّلُ مَنْ غُصِبَ حَقُّهُ؛ درود بر تو ای ولیّ خدا، تویی نخستین مظلوم، و تونخستین کسی هستی که حقّش غصب شد.[1]

و در زیارت نامهٔ مأثور از امام صادق علیه‌السلام آمده است:

أَنْتَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ وَ أَوَّلُ مَنْ غُصِبَ حَقُّهُ؛ تو نخستین مظلوم هستی و نخستین کسی هستی که حقّش غصب گردید.[2]

مولای متّقیان در این رابطه فرمود:

ظُلِمْتُ عَدَدَ المَدَرِ وَ الوَبَرِ؛ من به تعداد ریگ‌های بیابان و کرک‌های جانوران مورد ستم قرار گرفتم.[3]

بر این اساس، مولای متّقیان محور مظلومیّت‌ها است. هر کس به هر مقدار به آن حضرت نزدیک باشد، به همان مقدار در معرض ظلم و ستم قرار می‌گیرد.

اگر حضرت فاطمه علیهاالسلام همسر مولا نبود، در میان در و دیوار آزرده نمی‌شد.

اگر امام مجتبی علیه‌السلام فرزند مولا نبود، با سمّ جفا به شهادت نمی‌رسید.

اگر سالار شهیدان فرزند آن حضرت نبود، با آن وضع فجیع به شهادت نمی‌رسید.

اگر تنها حامی پیامبر در دوران دشوار مکه، حضرت ابوطالب علیه‌السلام پدر مولا نبود، اسلام و ایمانش مورد شک و تردید قرار نمی‌گرفت.

در استانبول شخصی به نام «حسین حلمی ایشیق» بود که وابسته به تشکیلات فراماسونری بود، چندین انتشارات داشت و هزینهٔ چاپ کتابهایش از اعتبارات

---

۱. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۶۹.

۲. ابن المشهدی، المزار الکبیر، ص ۲۳۰.

۳. علامه‌ی مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۳۷۳؛ ج ۳۴، ص ۳۳۷؛ ج ۴۱، ص ۵۱.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.48.11.7]

مستوره تأمین می‌شد.

او بیش از صد کتاب، به بیش از ده زبان علیه تشیّع چاپ و منتشر کرده بود، که یکی از آن‌ها «اعتقادات» نام داشت.

این کتاب به صورت مادّه مادّه تدوین شده بود، در مادۀ ۹۹ نوشته بود: «بر هر مسلمانی واجب است که معتقد شود که پدر و مادر پیامبر، مشرک از دنیا رفتند و ابوطالب عموی پیامبر، مشرک از دنیا رفت»!

آیا یکی از واجبات عقیدتی ما این است که باید معتقد باشیم که مثلاً فرعون یا نمرود، کافر از دنیا رفته است؟!

ما در اسلام چنین حکم واجب نداریم. پس چگونه است که در مورد حضرت ابوطالب، حضرت عبدالله و حضرت آمنه چنین حکمی صادر می شود؟!

در ایّام اقامت نگارنده در استانبول (۱۳۵۴-۱۳۵۹ ش) کنگره‌ای در هتل شرایتون استانبول، به عنوان «المؤتمر العالمی للسیّرة النبویّة» برگزار شد، که نخستین سخنران آن دکتر احسان صبری بود. او در آغاز سخنرانی خود گفت: بر هر مسلمانی واجب است که معتقد باشد پدر و مادر پیامبر، کافر از دنیا رفتند و ابوطالب کافر از دنیا رفت!!

سخنرانی ایشان بیش از یک ساعت طول کشید. اینجانب در آن فاصله متن استواری در اثبات ایمان حضرت ابوطالب، حضرت عبدالله و حضرت آمنه، براساس منابع نوشتم و به هیأت رئیسه تقدیم نمودم.

رئیس هیأت، شیخ احمد کفتارو، مفتی اعظم سوریّه بود. ایشان آن را قرائت کرد و به دیگر اعضای هیئت رئیسه ارائه داد. پس از اتمام سخنرانی دکتر احسان صبری، اینجانب را به جایگاه دعوت کردند و من متن کامل آن را در هفت

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.48.11.7]

صفحه نوشته بودم خواندم. پس ماده واحده‌ای تصویب کردند که دکتر احسان صبری اگر مقاله‌اش را در جایی چاپ کند، باید مقالهٔ اینجانب نیز به عنوان پاورقی آن به پیوست چاپ شود.

پیروان مکتب سقیفه، پیرو خلفایی هستند که قسمت اعظم عمر آن‌ها به بت پرستی سپری شده، سپس تظاهر به اسلام کرده‌اند. تنها خلیفه‌ای که هرگز در برابر بت سجده نکرده، مولای متّقیان می‌باشد، که از ده سالگی، در نخستین روز بعثت پیامبرﷺ اسلام آورده است.

رسول اکرمﷺ می‌فرماید:

عَلِیٌّ مَنْ آمَنَ بی وَ صَدَّقَنی؛ علی علیه‌السلام نخستین کسی است که به من ایمان آورد و مرا تصدیق نمود.[1]

مولای متّقیان فرمود:

أنَا أوَّلُ رَجُلٍ صَلّی مَعَ النَّبِیِّﷺ؛ من نخستین مردی بودم که با پیامبر اکرم نماز خواندم.[2]

از این رهگذر نمی‌توانند که در ایمان امیر مؤمنان اظهار شک و تردید کنند، لذا به پدر بزرگوارش نسبت شرک می‌دهند، تا جایگاه مولای متّقیان را پایین بیاورند. برای روشن شدن این که فقط برای دشمنی با مولای متّقیان علیه‌السلام به حضرت ابوطالب نسبت شرک داده‌اند، به یک متن بسیار شگفت اشاره می‌کنیم:

محی‌الدّین عربی در کتاب «فتوحات» بحث مفصّلی کرده و در مورد حضرت ابوطالب علیه‌السلام به صراحت می‌گوید: پیامبراکرمﷺ امر فرمود که عمویش ابوطالب

۱. ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۴۵، ص ۲۸.
۲. ابن أبی شیبه، المصنَّف، ج ۸، ص ۳۳۲.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.48.11.7]

را غسل بدهند، اگرچه او مشرک بود.[1]

وی در جای دیگر در تفسیر آیهٔ "حَرِیصٌ عَلَیْکُمْ" می‌نویسد: پیامبر اکرم بسیار حریص بود که عمویش ابوطالب اسلام را بپذیرد و لذا به او می‌فرمود: آن را در گوش من بگو، تا من بر آن گواهی دهم.[2]

در تفسیر آیهٔ شریفهٔ: «إِنَّکَ لا تَهدی مَنْ أَحْبَبْتَ» نیز گفته: پیامبر به شدّت حریص بود که عمویش ابوطالب ایمان بیاورد، ولی انجام داد و آن چه در علم خدا گذشته بود، همان واقع شد.[3]

نیز در جای دیگر می‌نویسد: هنگامی که ابوطالب وفات کرد، حضرت علی علیه‌السلام از او ارث نبرد، زیرا اهل دو دین مختلف، از یکدیگر ارث نمی‌برند![4]

بسیار جای شگفت است که همان محی‌الدین، در یک صفحه بعد، در باب ایمان فرعون سخن گفته و اعلام کرده که فرعون به نصّ قرآن، مؤمن از دنیا رفته و به عنوان مؤمن مبعوث خواهد شد![5]

سپس می‌گوید: فرعون به خوبی می‌دانست که چشم او چشم خدا، گوش او گوش خدا و زبان او زبان خدا می‌باشد. پس اگر می‌گفت: «أَنَا رَبُّکُمُ الأَعْلی» از زبان خدا می‌گفت![6]

این کلام، فقط از کسی بر می آید که گوساله را از جلوه‌های خدا بداند و پرستش

۱. ابن عربی، الفتوحات المکیّة، ج ۲، ص ۱۷۱.
۲. همان، ج ۳، ص ۲۳۲.
۳. همان، ج ۷، ص ۲۰۵.
٤. همان، ج ۶، ص ۲۶۴.
٥. همان، ص ۲۶۵.
٦. همان، ج ۲، ص ۷۱.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.48.11.7]

گوساله را پرستش خدا بداند![1]

ایشان همان گونه که بر کفر حضرت ابوطالب تأکید می‌کند، بر ایمان فرعون نیز تأکید کرده[2] و در پایان گفته: حکم فرعون، حکم مؤمنان طاهر و مطّهر است، زیرا بعد از ایمانش، از او عصیانی واقع نشد!![3]

کسی که گوساله را مظهر خدا و فرعون را مؤمن طاهر و مطهّر می‌داند، چرا وقتی نام مقدس بزرگ حامی پیامبر، حضرت ابوطالب را می‌برد، بر شرک و کفر او پای می‌فشارد؟!

نکتهٔ دیگر این که ابن عربی به صراحت بیان می دارد که هر شخص مکلّف به هنگام مرگ، مؤمن از دنیا می‌رود، از روی علم و آگاهی!

سپس تأکید می‌کند که این قطعی است و هیچ شک و تردیدی در آن نیست![4]

پس چگونه است که حضرت ابوطالب در این میان استثناء شده و کافر از دنیا رفته است؟!

از دیگر مواردی که حقد و حسدش را به اهلبیت ابراز کرده، در مورد چهار بانویی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده:

در میان بانوان، چهار بانو به کمال رسیدند: ۱) مریم دخت عمران؛ ۲) آسیه همسر فرعون؛ ۳) خدیجه دخت خویلد؛ ۴) فاطمه دخت محمد صلی الله علیه و آله و سلم

این حدیث شریف در ده‌ها منبع حدیثی اهل سنّت آمده و ابن عربی نیز بر آن

---

۱. حسن زاده، ممدّالهمم، ص ۵۱۵.

۲. همان، ص ۵۴۵، ۵۴۷، ۵۸۵.

۳. همان، ص ۵۸۶.

٤. ابن عربی، الفتوحات المکیّة، ج ۶، ص ۲۹.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.48.11.7]

تأکید کرده است.[1] جز این که در فتوحات در چهار مورد، آن را نقل کرده، فقط از آسیه و مریم نام برده، حضرت خدیجه و حضرت فاطمه را حذف کرده است.[2]

موارد پیشنهادی برای پژوهش

۱. تهیّهٔ کتابنامه‌ای جامع با کتابشناسی کامل پیرامون شخصیت آن حضرت.

۲. تحقیق کتاب ارزشمند "شیخ الأبطح" تألیف مرحوم آیة الله شرف الدّین.

۳. تحقیق و نشر کتاب "ابوطالب مؤمن قریش" و "ایمان ابوطالب" با فهرست‌های فنی.

۴. نشر دیوان‌های حاوی اشعار حضرت ابوطالب علیه‌السلام

۵. تحقیق و نشر کتاب "ابوطالب و بنوه" از سید علاء آل سید علی خان

۶. تحقیق و نشر کتاب "عقیل ابن ابی‌طالب" از مرحوم احمدی میانجی

۷. تحقیق جامع در مورد وصایت حضرت ابوطالب، جهانی بودن رسالت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و جهانی نبودن دیگر پیامبران و این که حضرت عبدالمطلب و حضرت ابوطالب وصیّ حضرت ابراهیم علیه‌السلام بودند، نه وصیّ حضرت عیسی علیه‌السلام.

۱. حسن زاده، ممدّ الهمم، ص ۵۴۴.

۲. ابن عربی، الفتوحات المکیّة، ج ۳، ص ۸۳؛ ج ۴، ص ۱۱۱؛ ج ۵، ص ۱۰۱، ج ۷، ص ۲۹۸.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.48.11.7]